



توجه به اراده ملت مولود انقلاب اسلامی

سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری در جمع اعضای «ستاد گرامی‌داشت چهل‌وپنجمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی» ضمن قدردانی از تلاش‌های اعضای دوره‌های مختلف این ستاد در برگزاری هر چه بهتر جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای عدالت، مقاومت در برابر زیاده‌خواهان، توجه به خواست و اراده مردم، کارآمدی نظام اسلامی، دفاع از مظلوم، جایگزینی نظم ناعادلانه فعلی با نظمی عادلانه و دفاع از حقانیت ملت مظلوم فلسطین را از جمله آرمان‌های انقلاب اسلامی دانست که در حد قابل‌قبولی محقق شده‌اند و گفت: «نفرت بی‌سابقه جهانی علیه موجودیت جعلی صهیونیست‌ها، محصول مواضع و آرمان‌های انقلاب شکوهمند و نظام جمهوری اسلامی ایران درباره قطعیت پیروزی ملت فلسطین و نابودی رژیم صهیونیستی است که باید به‌عنوان یک پیروزی بزرگ و جلوه‌ای از جلوه‌های دهه فجر گرامی داشته شود.» وی با اشاره به برگزاری دو انتخابات در اسفندماه امسال به فاصله اندکی از سالروز پیروزی انقلاب اسلامی گفت: «یکی دیگر از مهمترین جلوه‌های دهه فجر انقلاب اسلامی توجه به اراده مردم است. جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته همواره بر مبنای اراده و خواست مردم اداره شده و اساساً توجه به اراده مردم در این سرزمین مولود انقلاب اسلامی است.» رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به ظرفیت بزرگ ایرانیان خارج از کشور دلبستگی عموم آنها به کشور و انقلاب اسلامی، توجه بیش از پیش به این بخش از جمعیت ایران اسلامی را خواستار شد.



قرارگاه‌های مردمی مقابله با مفاسد اقتصادی

حسن درویشیان، رئیس دفتر بازرسی ویژه رئیس‌جمهور در اختتامیه جشنواره هشت فرمان‌مقام معظم رهبری که در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی و با حضور فعالان این عرصه برگزار شد، با بیان اینکه مبارزه جدی با فساد باعث امیدآفرینی در مردم می‌شود، گفت: «هر فرد و مسئولی در هر مسئولیتی که به او سپرده شده است، نباید از مبارزه با فساد در بخش مدیریتی خود اجتناب و دریغ کند.» وی در ادامه افزود: «ما در حکمرانی مطلوب و کارآمد اصولی داریم و اگر این اصول طبق ارزش‌های اسلامی و انقلابی نباشد، نابسامانی‌ها به‌وجود می‌آیند. یکی از اصول حکمرانی مطلوب و مبتنی بر آموزه‌های دینی، داشتن برنامه و چشم‌انداز است و هیچ زمانی مابدون برنامه و نقشه راه نبودیم. اصل دیگر حکمرانی در حوزه مبارزه با مفاسد اقتصادی، داشتن مدیران مسئولیت‌پذیر و ساده‌زیست و دارای دانش انجام آن مأموریت است و رهبر معظم انقلاب اسلامی هم در این خصوص، سخنرانی‌های متعددی داشته‌اند و تأکید کردند که رهبر از تنبلی، فعالیت جهادی، انقلابی و برای خدا کار کردن، جزو اصول حکمرانی مطلوب مورد رضایت مردم است.»

وی نظارت در راه مقابله با مفاسد اقتصادی را در دو محور دانست و گفت: «نظارت در دو سطح است؛ یکی در حاکمیت و دسته‌های اجرایی و حاکمیتی، یکی هم نظارت مردمی است؛ یعنی تشکل‌های مردمی برای مقابله با مفاسد اقتصادی در کشور، اهمیت زیادی دارند. برای پیشگیری از فساد در کشور، وجود قرارگاه‌های مردمی تشکیل شده است و اهمیت زیادی در این حوزه دارد، چراکه هر جا مردم حضور دارند کارها به‌نحو احسن انجام می‌شود و سرعت بیشتری دارد، مثل نخستین سال‌های دوران دفاع مقدس که با کمک مردم، تیم‌های منافقین در کشور شناسایی و منهدم شدند و بدون کمک مردم، این کار سخت به نظر می‌رسید و به همین شکل، در مسیر مقابله با مفاسد اقتصادی، مردم نقش اول و تعیین‌کننده‌ای دارند.»

گفت‌وگو با محمد توسلی درباره نخست‌وزیر دولت موقت و مواضع او:

بازرگان هیچ‌گاه قهر نکرد

مهندس بازرگان در ۶ مرداد ۱۳۵۹ طی نامه سرگشاده‌ای که در روزنامه‌ها منتشر شد پاسخ دادند و در مقدمه آن آمده است: «به نظر اینجانب نهنها در آن زمان مسامحه و خطایی از ناحیه آن جناب رخ نداده است بلکه وقتی سرگذشت جست‌وجو و گزینش مسئول دولت موقت را از خاطر می‌گذرانیم هم عمل رهبر عالیقدر از روی بصیرت و تجربت و مشورت صورت گرفت، اختیار و اشعار کامل از هر جهت داشته‌اید و هم از ناحیه بنده اعلام موضع و اتمام حجت همراه با پیش‌بینی‌های لازم انجام گردیده جای هیچ‌گونه ابهام و اغوا یا ایراد بعدی وجود نداشته است و حملات و اعتراضات بی‌اساس که از چپ و راست باریدن گرفته است ناعادلانه است...»

آقای دکتر سنجابی از اصطلاح «دولت در دولت» برای شرح وضعیت آن روزها در دولت موقت استفاده می‌کنند. با توجه به سخنان شما فعالیت کمیته‌ها و شورای انقلاب مورد نظر بوده است، سطح دخالت‌ها تا چه اندازه بود و چگونه در روند کار دولت خلل ایجاد می‌کردند؛ با توجه به اینکه اعتراض به دخالت در دولت‌ها را بعدها در استعفای مهندس میرحسین موسوی و بعدتر از آن محمد جواد ظریف هم می‌بینیم؟

بعد از دولت موقت، آقای ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب می‌شوند و رئیس شورای انقلاب هم هستند که دولت را اداره می‌کنند. بنده بلافاصله استعفایم را به آقای بنی‌صدر دادم و ایشان نپذیرفتند من هم با توجه به نگاه راهبردی که داشتیم و چون مدیریت شهر تهران بسیار حساس بود، به وظیفه خودم ادامه دادم؛ بعد آقای رجایی به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب می‌شوند و با توجه به سابقه همکاری نزدیک که با ایشان داشتم، استعفا دادم و ایشان هم نپذیرفتند؛ قول داد که دولت خودشان را با مدیریت شهر تهران هماهنگ کنند. به‌رغم قولی که داده بودند از مهر و آبان ۱۳۵۹ کارشکنی‌ها در حوزه مدیریت شهر تهران آغاز شد. دکتر بهشتی در سخنرانی ۲۹ آبان خود در مسجد شاه (امام خمینی) که شاید پاسخ این سوال باشد می‌گویند: «روحانیت آگاه متعهد حداقل در حد نظارت همه‌جانبه تمام‌عیار به‌عنوان معتمدان ملت در جریان کارهای کشور برای همیشه نظارت خواهند کرد. کسانی در جمهوری اسلامی مسئولیت‌های خرد و کلان را قبول بکنند که با این نظارت مزاح‌شان سازگار باشد آنهایی که این نظارت را نمی‌توانند تحمل کنند لطفاً جایشان را به کسانی بدهند که از این نظارت صمیمانه استقبال می‌کنند.» من بلافاصله طی نامه‌ای با توجه به ارتباط بسیار نزدیکی که با ایشان از سال‌های ۱۳۴۰ در ایران و سپس در زمانی که در آلمان بودند داشتم، پاسخی به ایشان دادم که در اسناد تاریخی آمده است. در آن نامه نوشتم که در مدیریت شهر تهران، آنها که در مدیریت هستند باید اختیار داشته‌باشند و روحانیت حق مداخله در مدیریت شهری تهران را ندارد. چون آمادگی چنین نظارتی را ندارم، درخواست استعفا دارم.

در دولت آقای رجایی موضوع مطرح و پیگیری شد، نپذیرفتند، نهایتاً در اواخر دی‌ماه خدمت آقای [امام] خمینی رسیدم و استعفایم را به ایشان دادم.

نگاهی که پس از انقلاب در جمهوری اسلامی حاکم و حزب «جمهوری اسلامی» تشکیل شد به دنبال این بود که چنین فضایی در جامعه ما حاکم شود. من مستندش را از دکتر بهشتی که در جایگاه مدیریت بالای کشور بودند، نقل کردم، بنابراین طبیعی است که بقیه هم که در شورای انقلاب و کمیته‌ها و یا در سایر نهادها بودند، این تأثیر را داشته‌باشند. البته پراکندگی بی‌نظمی هم از خصوصیات افراد در جامعه ما بود؛ جامعه‌ای که از لحاظ مدیریتی توانمند نباشد همه می‌خواهند در فعالیت‌ها دخالت کنند. آن خصوصیات فرهنگی جامعه ما هم کمک کرده تا نخواهند آن روابط قانونی و منطقی را در مدیریت وزارت‌خانه‌ها و مدیریت کشور مورد عمل قرار دهند. اسناد تاریخی این اتفاقات وجود دارد و قابل بررسی است.

دولت موقت شکل می‌گیرد و یکی از سوالاتی که مطرح می‌شود درباره استفاده از ابوالحسن بنی‌صدر در کابینه است، که بازرگان تمایلی به این همکاری نداشت. علتش چیست و اینکه آیا درست است که دولتی‌سازی صنایع خصوصی را بنی‌صدر به دولت موقت تحویل کرد؟

من از دوران دانشجویی با آقای بنی‌صدر همکاری داشتم. البته ایشان چندساله از من جلوتر بودند و مسئولیت سازمان دانشجویی دانشگاه را برعهده داشتند و روابط ما آنچنان نزدیک بود که وقتی من در مهرماه ۱۳۴۱ برای ادامه تحصیل به آلمان رفتم، ایشان در آذرماه بنده را به‌عنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران به کنفرانس جهانی کفدارسیون دانشجویان



علتش: آرش خاوشی، هم‌مبانی

دلیل قبل از ۱۳ آبان و اشغال سفارت دو یا سه بار دولت موقت استعفا داده بود. در آخرین استعفا قرار بر این می‌شود که دولت موقت و شورای انقلاب اقدام شوند و مشترکاً کارها را انجام دهند و روحانیون شورای انقلاب در وزارتخانه‌ها مشغول کار می‌شوند. در این راستا آقای [آیت‌الله] خامنه‌ای در وزارت دفاع و آقای باهنر در وزارت آموزش و پرورش و آقای هاشمی‌رفسنجانی در وزارت کشور فعالیت می‌کردند. این تمهیداتی بود که قرار بود مانع تداخل در کار اجرایی شود. بنابراین داستان اختلافات که زمینه‌های استعفا را فراهم می‌کرد قبل از اشغال سفارت مطرح بوده است. منتها اشغال سفارت آمریکا و سفری که مهندس بازرگان همراه دکتر یزدی و دکتر چمران به‌عنوان وزرای دولت موقت در الجزیره داشتند تا در جشن سالگرد پیروزی انقلاب این کشور شرکت کنند و مذاکراتی که با برزیسی انجام شده بود، موجب شد وقتی آنها بازمی‌گردند، فضایی در جامعه به وجود می‌آید که کاملاً جدید و مدیریت شده بود که به هر حال زمینه‌ای است که بعد از اشغال سفارت آمریکا موجب می‌شود که دولت موقت حذف شود. در روز ۱۴ آبان، آقای مهندس ابوالفضل بازرگان نامه استعفا را در قم به آقای [امام] خمینی می‌دهند، ما هم با آقای [امام] خمینی همان زمان به‌عنوان نمایندگان کنفرانس شهداران کلان‌شهرهای ایران جلسه داشتیم؛ آن روز فضای ملتهبی در شهر قم حاکم بود.

ابتدا رهبر فقید انقلاب توصیه می‌کنند که استعفای مهندس بازرگان را نپذیرند، آقای دکتر بهشتی و آقای دکتر باهنر قرار می‌شود که به تهران بازگردند و با آقای بازرگان برای پس گرفتن استعفا گفت‌وگو کنند، بین راه متوجه می‌شوند که متن استعفا از صداوسیما پخش شده است. آنها به قم بازمی‌گردند و به آقای [امام] خمینی اطلاع می‌دهند که دیگر نمی‌توانند گفت‌وگو کنند. این سوال مطرح شد که چه کسی این استعفا را به صداوسیما داده است اما فقط گمانه‌هایی مطرح است و می‌توان گفت که در راستای همان برنامه‌هایی است که زمینه اشغال سفارت و آن سنگینی فضا را فراهم ساخته بود تا دولت موقت حذف شود. رهبر فقید انقلاب پس از این اتفاق، استعفا را می‌پذیرد.

در اینجا دو نکته تاریخی و با اهمیت مطرح است: اول، متن حکم آقای مهندس بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت و دوم؛ حکم پذیرش استعفای ایشان است که در اسناد تاریخی آمده است. در هر دو متن، آقای [امام] خمینی، «...ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت‌فرسای ایشان در دوره انتقال و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن‌نیت...» مهندس بازرگان از ایشان تقدیر کردند. اما در تیرماه ۱۳۵۹ آقای خمینی ضمن سخنرانی خود می‌گویند: «من هر روزی که از این انقلاب می‌گذرد بیشتر به این معنی پیدا می‌کنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم... لهذا از اول که ما بحسب الزامی که من تصور می‌کردم دولت موقت را قرار دادیم، خطا کردیم از اول باید یک دولتی که قاطع باشد و جوان باشد بتواند مملکت را اداره کند... منتها ما آن وقت فردی را نداشتیم. انتخاب شد و خطا شد...».



سیمیه متقی
دبیر گروه سیاسی

مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، کمتر از ۹ ماه بعد از آن که از رهبر انقلاب حکم گرفته بود، استعفا داد و با استعفای او موافقت شد. پس از آن، بازرگان به‌عنوان فعال سیاسی و اجتماعی مسیرهای دیگری را در پیش گرفت؛ از حضور در مجلس اول تا شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۶۴ و پس از اینکه دیگر فرصتی برای همراهی در فضای مدیریتی کشور و نقش‌آفرینی در ساختار قدرت نیافت، به یک ناصح سیاسی و اجتماعی بدل شد و فعالیت‌هایش را در قالب نامه‌نگاری با مسئولان و نوشتن کتاب برای جامعه و به بیان هم‌تشکلی‌هایش «آگاهی بخشی» پیش برد. البته که فعالیت او و همفکرانش در نهضت آزادی ایران فرازوفرود بسیاری داشت و این تشکل برخورداری تگ‌نظرانه زیادی را تجربه کرده است؛ تا جایی که حتی از برگزاری مراسم سالگرد بازرگان هم در بسیاری از این سال‌ها به دلایل مختلف ممانعت شده است. اما در گفت‌وگویی که محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی با هم‌میهن با محوریت نقد و بررسی عملکرد او انجام داده است، تأکید دارد که «نه بازرگان و نه تشکیلات او هیچ‌گاه قهر نکرده‌اند». بخش اول گفت‌وگو با محمد توسلی با محوریت فعالیت‌های پیش از انقلاب بازرگان روز گذشته منتشر شد و بخش دوم آن درباره دولت موقت و فعالیت‌های پس از انقلاب او و نهضت آزادی ایران در ادامه می‌آید:

تصویری از حضور و نقش‌آفرینی مهندس بازرگان در دولت موقت در تعامل با امام خمینی مطرح می‌شود که به نظر می‌آید آن حمایت لازم از دولت موقت در کار نبوده و در برخی خاطره‌گویی‌ها عملاً مهندس بازرگان روبروی امام و انقلاب است و او در نهایت پس از اتفاقات مختلف از جمله تسخیر سفارت آمریکا و انتشار اخبار دیدار او، ابراهیم یزدی و مصطفی چمران، با برزیسی نماینده جیمی کارتر تصمیم به استعفا در کنار کابینه‌اش گرفت. چه چیزی ادامه همراهی را برای او سخت کرد؟

مشکل ظاهر آن نوع تعامل رهبری و دولت موقت نبود؛ بلکه مشکل اصلی شورای انقلاب بود. طبق اسنادنامه شورای انقلاب قرار بود این شورا در جایگاه قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری کلان در جامعه باشد و دولت موقت هم براساس همان حکمی که آقای [امام] خمینی به مهندس بازرگان می‌دهد، باید به ۵ برنامه‌ای که مطرح شده، عمل کند. اما شورای انقلاب در تمامی مسائل اجرایی کشور نظر می‌داد و دخالت می‌کرد و نهادها و کمیته‌هایی که تشکیل شده بود هم همین‌گونه بود.

خود من در مدیریت شهرتهران که حضور داشتم شاهد این مشکلات بودم؛ مثلاً آقای خسروشاهی که مسئول برخی نهادها و کمیته ۱۲ بود مداخلات زیادی در مدیریت شهر داشت. همین مداخلات کار را برای وزرا سخت کرده بود و براساس اسناد به همین